

تشکیل کمیسیون حمایت از ورزشکاران فلسطینی

چهاردهمین مجمع عمومی انجمن همبستگی کشورهای اسلامی در حاشیه ششمین دوره بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی در ریاض با حضور اعضای این مجمع در محل هتل هیلتون برگزار شد. معرفی و انتخاب کشور مالزی به عنوان میزبان هفتمین دوره بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی از میان ۳ کاندیدا (ایران، ازبکستان و مالزی) مهم‌ترین بخش دستور جلسه این نشست بود. ناصر ایمان المجالی، دبیر کل انجمن همبستگی ورزشی کشورهای اسلامی در مجمع عمومی پس از معرفی میزبان دوره بعد، ضمن تقدیر از کشورهای کاندیدای دوره آتی، توانایی و امکانات هر ۳ کاندیدا را نزدیک و مورد قبول ارزیابی کرد. همچنین به پیشنهاد نماینده سودان مصوب شد هر ۲ کشور دیگر به عنوان نامزد میزبانی بازی‌ها کماکان به عنوان ذخیره باقی بمانند تا اگر مالزی بنا بر هر دلیلی نتوانست میزبان دوره بعد باشد یکی از بین ایران و ازبکستان میزبانی بازی‌ها را بر عهده گیرد. در ادامه این مجمع، بخش‌های مختلف کمیته برگزاری ششمین دوره بازی‌ها (ریاض - ۲۰۲۵) گزارش کلملی درباره نحوه آماده‌سازی ریاض برای میزبانی این دوره از رقابت‌ها ارائه کردند. تشکیل یک کمیته اختصاصی برای حمایت از ورزشکاران فلسطینی از دیگر موارد مطرح‌وه در دستور جلسه مجمع عمومی بود که طی آن با تصویب این بند انتخابات کمیسیون این انجمن سریعا انجام و دکتر چو، رئیس فدراسیون جهانی تگواندو به عنوان رئیس کمیته انتخاب‌شد در پایان نیز مقرر شد در پانزدهمین نشست مجمع عمومی وانتخاباتی انجمن همبستگی ورزشی کشورهای اسلامی که اردیبهشت ۱۴۰۵ در ریاض به منظور انتخاب اعضای جدید ISSA برگزار می‌شود انتخابات جدید این کمیته نیز صورت پذیرد.

تغییرات در کانون هواداران پرسپولیس الزامی است

حاشیه رخ داده روی سکوهای ورزشگاه در جریان بازی پرسپولیس - استقلال خوزستان، ضرورت تغییرات در فضای هواداری پرسپولیس را نشان داد. اتفاق روز جمعه روی سکوها بعد از بازی پرسپولیس - استقلال خوزستان باعث شد ر کان فضایی فوتبال به این پرونده ورود کرده ومدیر عامل و برخی نفرات منتسب به این باشگاه را احضار کنند. این اتفاق در حالی رخ داد که فضای هواداری در فوتبال کشورمان، متأثر از فضای مجازی، دوران پرتلهایی را سپری می‌کند و رخ دادن اتفاقاتی از این دست، متأسفانه چندان عجیب نیست.در این بین به نظر می‌رسد باشگاه پرسپولیس که با انتخاب مدیرعامل، به دنبال تغییر رویه کاری است، باید تغییراتی هم در فضای هواداری خود به وجود بیاورد. به جز عدمی از مشوقان تحسیلکرده این باشگاه که خوشامد بوده و سابقه خوبی هم در عرصه لیدری دارند، برخی نفرات رزومه خوبی ندارند و در این شرایط باید تغییراتی در کانون هواداران پرسپولیس انجام شود. پیمان حدادی از زمانی که سکان‌دار مدیریت این باشگاه شده بنا بر تغییر رویکرد این باشگاه گذاشته و به نظر می‌رسد اقدام بعد از تغییرات در کانون هواداران پرسپولیس باشد تا فضای هواداری این تیم به روزهای سالم بازگردد.

گزارش

خبیر در فاصله ۳ هفته هم از سد پرسپولیس گذشت هم تراکتور

دلبری لر‌ها در خانه
گاهی یک تیم نه با شکست‌های بزرگ، بلکه با لغزش‌های کوچک اما پی‌درپی از مسیر قهرمانی دور می‌شود. تراکتور این روزها دقیقاً در چنین بزنگاهی قرار گرفته است. تیمی که فصل را با انرژی و اعتماد به نفس شروع کرده بود، حالا در ۲ هفته متوالی امتیازهایی را از دست داده که شاید ورزش در پایان فصل بسیار سنگین‌تر از امروز باشد.

مهم‌ترین بخش ماجرا اما فقط «باخت» نیست؛ نوع باخت است. تراکتور در خرم‌آباد پیش افتاد، کنترل مسابقه را در اختیار داشت اما به جای تثبیت پیروزی، اجازه داد خبیر بر جریان مسابقه مسلط شود. تیم میزبان، با اتکا به انرژی تماشاگران و شور همیشگی فوتبال لرستان، نه‌تنها نتیجه را جبران کرد، بلکه ضربه نهایی را هم زد؛ همان ضربه‌ای که جایگاه تراکتور در جدول را لرزاند. این نتیجه در حالی رقم خورد که خبیر ۳ هفته قبل هم یک مدعی دیگر را مغلوب کرده بود. پرسپولیس در همین ورزشگاه با سدی مواجه شد که شکستن آن ساده نبود. اکنون خبیر دوباره یک مدعی را پایین کشید؛ این بار تراکتور. همین کافی است تا همه تیم‌های لیگ بدانند خرم‌آباد تبدیل به یکی از دشوارترین مقاصد خارج از خانه در لیگ شده؛ جایی که «لرها در خانه بلندن چگونه بازی را عوض کنند».

هفته قبل، تراکتور در تبریز تا نایبه‌های یابانی برنده دیدار برابر پرسپولیس بود اما ضربه بی‌رحمانه باکیچ ۲ امتیاز کلیدی را از جیب تی‌تی‌ها بیرون کشید. اگر در آن مسابقه تراکتور پیروزی می‌شد و شاگردان اسکو این هفته هم با تمرکز بازی می‌کردند، جایگاه امروز آنها در جدول می‌توانست کاملاً متفاوت باشد.

تراکتور اکنون با ۱۳ امتیاز از ۹ بازی در رتبه هشتم قرار دارد. یک بازی معوقه دارد اما حتی در صورت پیروزی در آن دیدار هم باز ندرشین نخواهد شد، زیرا رقیباً نه‌تنها امتیاز نمی‌دهند، بلکه ریتم صعود گرفته‌اند. استقلال، سپاهان و پرسپولیس هر کدام، در مقاطع مختلف، فرم رو به رشد نشان داده‌اند. در چنین شرایطی، عقب ماندن از کورس خیلی زود می‌تواند تبدیل به فاصلهای غیرقابل جبران شود.

این لیگ قرار نیست برای هیچ تیمی آسان باشد اما واقعیت این است که خبیر ثابت کرده خرم‌آباد برای مدعیان جایی نیست که «۳ امتیاز» را با خود برداری و ببری. باید جنگید، آن هم تا آخرین لحظه.

برای تراکتور، فصل هنوز پایان نیافته اما اگر این تیم می‌خواهد دوباره در صدر دیده شود، باید همین جا، همین هفته، ریشه این لغزش‌ها را قطع کند چون گاهی یک هفته تأخیر، می‌شود یک فصل حسرت.

فصل جدید رقابت برای پیراهن تیم ملی با اعلام لیست جدید

شروع آزمون تازه



ماجرای انتخاب فهرست تیم ملی همیشه چیزی فراتر از اعلام ساده نام‌هاست. هر لیست تازه یعنی تصویری از نگاه سرمربی، برداشت او از مسیر پیش رو و نوع فوتبال و شخصیت تیمی که قصد دارد بسازد. این بار نیز همین‌طور است. امیر قلعه‌نویی نفرات مورد اعتمادش را برای سفر به امارات و حضور در یک تورنمنت تدارکاتی معرفی کرده، تورنمنتی که نه یک رقابت تشریفاتی، بلکه آزمونی واقعی برای سنجش کیفیت و انسجام تیم ملی پیش از مسیر دشوار جام جهانی آینده است. ایران قرار است در مسیر النعین، در قالب یک رقابت چهارجانبه، به مصاف ۲ تیم از میان مصر، ازبکستان و کیپ‌رود برود. مسابقاتی که نه‌تنها محک تاکتیکی جدی‌ای برای ایران است، بلکه می‌تواند مشخص کند کدام بازیکنان در ذهن سرمربی جای ثابتی پیدا کرده‌اند و کدام‌ها هنوز باید برای تثبیت جایگاه‌شان بجنگند. نخستین مسابقه تیم ملی برابر کیپ‌رود خواهد بود؛ تیمی ناشناخته و در عین حال قدرتمند که سبک بازی‌اش ترکیبی از قدرت بدنی و سرعت است و حریف آسانی برای هیچ تیمی نیست. کیپ‌رود برای نخستین بار به جام جهانی صعود کرده. برنده این دیدار به مصاف برنده مصر و ازبکستان خواهد رفت و بازنده‌ها نیز برای کسب رتبه سوم با یکدیگر رویه‌رو می‌شوند.

اما آنچه این فهرست را مهم‌تر و قابل تحلیل‌تر می‌کند، نام‌هایی است که در آن غایبند. سردار آزمون همچنان به دلیل مصدومیت در لیست حضور ندارد. روزه به چشمی، مهدی قایدی، محمدمهدی محبی و علی قلی‌زاده نیز به همین دلیل کنار گذاشته شدند. در نهایت علیرضا جهانبخش، کاپیتان تیم ملی، با وجود قراردادی که به تازگی در فوتبال بلژیک امضا کرده، طبق هماهنگی با باشگاهی در این اردو حضور نخواهد داشت اما غیبت او دائم نیست و برنامه‌ریزی شده در اردوهای آینده به تیم ملی اضافه شود.

دروازه‌بان‌ها بخش قابل توجهی از لیست هستند. ۴ گلر دوباره به ثبات رسیده، سیدپیم نیازمند که در پرسپولیس عملکرد مطمئنی ارائه داده، سیدحسین حسینی که در سپاهان مورد اعتماد کادر فنی قرار دارد و محمدرضا اخباری که او نیز در همین باشگاه فعالیت می‌کند. شاید دعوت ۲ دروازه‌بان از یک تیم و عدم دعوت از یک گلر آینده‌دار، در نگاه اول عجیب به نظر برسد. برخی معتقدند بهتر بود یک گلر جوان به اردو اضافه می‌شد تا علاوه بر تمرین در کنار چهره‌های قدیمی، تجربه محیط تیم ملی را لمس کند؛ تصمیمی که قلعه‌نویی فعلاً مصلحتی در آن ندیده است. در خط دفاع، نام‌هایی دیده می‌شود که بخشی از هویت سال‌های اخیر تیم ملی بوده‌اند؛ شجاع خلیل‌زاده و محمدحسین کنعانی‌زادگان که بارها زوج دفاعی ایران را تشکیل داده‌اند. بازگشت سیدمجید حسینی به تیم ملی، شاید یکی از مهم‌ترین نکات این فهرست باشد. او پس از مصدومیت‌ها و فراز و فرودهای فراوان دوباره به روزهای قابل اعتماد نزدیک شده و حضورش در ترکیب قیصری‌اسبور دوباره او را در دایره انتخاب‌ها قرار داده است. محمدامین حربلوی نیز به عنوان نماینده نسل جدید مدافعان ایرانی، همچنان مورد اعتماد کادر فنی است.

در سمت راست خط دفاع ۳ نام دیده می‌شود: صالح حرانی، آریا یوسفی و دانیال اسماعیلی‌فر. رقابت در این پست کاملاً جدی و نزدیک است. شاید هیچ پستی به اندازه دفاع راست در این اردو، محل رقابت چهره‌های نزدیک به هم نباشد. در سمت چپ نیز میلاد محمدی همچنان در تیم ملی حضور دارد و علی نعمتی در پستی غیر تخصصی، به عنوان گزینه موقت و کاربردی دعوت شده است.

در خط هافبک، ترکیبی از تجربه و انتقال سبک بازی از باشگاه‌های امارات دیده می‌شود. سعید عزت‌اللهی، محمد قربانی، سامان قدوس و امید نورافکن ۴ بازیکنی هستند که باید تعادل تاکتیکی تیم ملی را شکل دهند. ۳ نفر از این

جمع در امارات بازی می‌کنند؛ در لیگی که ظاهر اقلعه‌نویی شناخت خوبی از شرایط فنی آن دارد. اما بخش جذاب فهرست، در بال‌های کناری و خط حمله دیده می‌شود. محمد محبی که در روسیه شاغل است، دوباره یکی از چهره‌های کلیدی خواهد بود. مهدی هاشم‌نژاد و علیرضا کوشکی همراه با مهدی تیکدری و هادی حبیبی‌نژاد، گروهی از بازیکنان هستند که در لیگ برتر با نمایش‌های خوب پی‌درپی خود سرمربی تیم ملی را قانع کرده‌اند. دعوت حبیبی‌نژاد به تیم ملی، شاید شیرین‌ترین اتفاق شخصی این اردو باشد. بازیکنی که در تیمی بی‌ادعا اما جنگجو، نقش رهبری داشته و حالا نتیجه تلاشش را در سطح ملی می‌بیند.

در خط حمله نام امیرحسین حسین‌زاده، محمد عمری، علی علیپور و مهدی طارمی دیده می‌شود. طارمی که پس از انتقال به المپیاکوس یونان دوباره درخشش را تجربه کرده، مهم‌ترین عنصر هجومی تیم ملی خواهد بود. علیپور پس از بازگشت به لیگ برتر سر عملکرد باثباتی داشته و عمری یکی از پدیده‌های این فصل پرسپولیس است؛ بازیکنی که ریتم تیم را تندتر می‌کند و ساختار بازی را به سمت تهاجمی شدن می‌برد.

در کنار همه اینها، یک نکته مهم وجود دارد: این فهرست قطعی جام‌جهانی نیست. این اردو، یک آزمایش است. فرصتی برای سنجش، مقایسه و نزدیک کردن ذهن سرمربی به نقشه نهایی. قلعه‌نویی این بار نه فقط برای بردن جام، بلکه برای شناخت تیمش به امارات می‌رود. برای دیدن اینکه چه کسی در میدان می‌ماند، چه کسی زیر فشار تصمیم درست می‌گیرد و کدام بازیکن، «زیستن در پیراهن تیم ملی» را بلد است.

در نهایت، این اردو تنها یک تورنمنت نیست. یک راه‌رو است. راه‌رویی که از آن می‌توان صدای قدم‌های جام‌جهانی آینده را شنید.

در استقلال همه گلزن هستند جز مهاجم‌ها!

گلزنی همه جز موظف‌ها

هوا متفاوت است. ۱۰ بازی، ۳۹۴ دقیقه، بدون گل. تنها یک پاس گل ثبت شده. او کم‌کم از ذهن ریکاردو ساپینتو فاصله گرفته. نه به دلیل اشتباهات فاحش، بلکه چون جریان بازی از کنارش رد می‌شود. مثل کسی که روی صحنه است اما نور پروژکتور هرگز روی او نمی‌افتد. در بازی با الوحدات هم فرصت داشت بگوید «من هنوز هستم» اما ضربه‌اش توسط دروازه‌بان گرفته شد و باز همان حلقه تردید ادامه پیدا کرد.

■ **آزادی و جنبو؛ جایی که سکوت سنگین می‌شود**
و اما محمدرضا آزادی؛ مهاجمی که نه حضورش قابل مشاهده است و نه غیبتش تغییری ایجاد می‌کند. نه گل و نه پاس گل در ۳۱۲ دقیقه. آخرین باری که دروازه را فتح کرده، به ماهه پیش برمی‌گردد. او در زمین هست اما رد نمی‌گذارد. این برای مهاجم یک وضعیت خطرناک است. مهاجم باید

تهدید باشد؛ حتی اگر گل نزنند، باید مدافع را عصبی کند، باید نگذارد خط دفاع حریف راحت نفس بکشد اما آزادی بیشتر به تماشاگری درون زمین شباهت دارد تا کسی که بازی را تغییر می‌دهد. به همین دلیل، زمزمه‌های جدایی در نیم‌فصل نه شایعه، بلکه واقعیت در حال شکل‌گیری است. درباره موسی جنبو که هیچ نمی‌توان گفت! واقعا بود و نبودنش چه در زمین، چه روی نیمکت و چه حالا که مدتی است مصدوم است، حس نمی‌شود. تاکنون که انگار استقلال یک سهمیه خارجی را اسراف کرده

■ **مسأله فقط مهاجم‌ها نیستند اما...**

در نگاه کلان، مشکل فقط فردی نیست. ساختار هجومی استقلال گاهی آنقدر پیچیده و کند می‌شود که مهاجم برای ضربه زدن مجبور است در لحظه تصمیم بگیرد؛ بدون اینکه فرصتی برای غریزه داشته باشد. وقتی مهاجم به جای «زدن»، «هکری می‌کند»، کار تمام است. مهاجم باید تصمیم را از ناخودآگاه بگیرد. اینجا همان جایی است که فشار روانی کار را خفه می‌کند اما هر چه باشد، حقیقت فرار نمی‌کند: استقلال تیمی است که همه چیز دارد جز کسی که با گلزنی بازی را درآورد.

گل‌ها را وینگرها می‌زنند، گاهی هافبک‌ها هم می‌زنند، حتی گاهی ضربه آخر توسط کسی زده می‌شود که اصلاً برای گلزنی طراحی نشده مثل مدافعان اما مهاجمان؟ مهاجمان این استقلال بیشتر به سایه‌های در حال دویدن شبیه‌ند.

نتیجه روشن است: اگر استقلال بخواهد در مسیر قهرمانی بماند، باید با مهاجمان فعلی از این حلقه ترس عبور کنند

هیچ تیمی با «تقریباً گل» قهرمان نمی‌شود. این داستان یا باید همین جا تغییر کند یا فصل آرام‌آرام از دست می‌رود.



در گذشت ناگهانی ستاره والیبال پرسش‌های بسیاری بر جا گذاشت

معمای بی‌جواب صابر



در اردوها می‌درخشید و از تمرین‌هایی که بی‌صابر دیگر شبیه تمرین نبود. هواداران در فضای مجازی دنبال «پاسخ» بودند اما پاسخ ساده‌ای برای چنین رفتنی وجود ندارد.

رئیس کمیسیون پزشکی اعلام کرد به احتمال زیاد پارگی ناگهانی یکی از شریان‌های مغز علت بوده است. چنین اتفاقی‌هایی در جهان پزشکی ثبت شده. ناگهانی، سریع و غیرقابل پیش‌بینی اما این توضیح هم، همه را قانع نکرد. بویژه وقتی که گفته شد برای قطعیت نیاز به کالبدشکافی است؛ و خانواده وی حاضر نشد. این بخش، در نگاه افکار عمومی، گره ماجرا را پیچیده‌تر کرد اما باید پذیرفت که هیچ کس خانواده می‌گیرد، تمام آن‌ها را می‌گیرد.

تنها از دل زخمی می‌آید که تیمی کدام از ما اندازه‌اش را نمی‌دانیم. آنها اولیای او هستند و حریم آرامشی که برای خود و پادش می‌خواهند، قابل احترام است.

میان آمد اما هیچ‌کدام از اینها نه رد شد، نه تأیید.

صابر ابند در بیمارستانی در دوحه تحت مراقبت بود. بعد که حالش رو به وخامت رفت، او را به یک مرکز تخصصی منتقل کردند. پزشکان تلاش کردند آن بخش از مغز که مسئول حیات است را پایدار نگه دارند اما نتیجه همان شد که همه از شنیدنش می‌ترسیدند: او دیگر بر نمی‌گردد. وقتی تصمیم گرفته شد او را به تهران منتقل کنند، امیدها چندان نبود اما خانواده و دوستانش می‌خواستند آخرین تلاش‌ها هم انجام شود. در تهران نیز تیمی از متخصصان بی‌وقفه تلاش کردند اما زندگی‌اش، آرام و بی‌صدا، از جهان جدا شده بود.

پس از اعلام رسمی درگذشت او، موجی از ناباوری همه را در بر گرفت. بازیکنان تیم ملی نوشتند از آینده‌ای که دیگر وجود نخواهد داشت. از لیخندهایی که همیشه

می‌گویند بعضی رفتن‌ها نه شبیه پایاند و نه قابل توضیح. بیشتر شبیه آن است که کسی در میانه حمله ناگهان سکوت کند و ما برای همیشه با نیمه گفته‌نشده‌اش تنها بمانیم.

درگذشت صابر کاظمی برای والیبال ایران چنین بوده توقف نفسگیر میان یک داستان ناتمام.

۳ هفته از آن روز که خبر رسید «وضعیتش وخیم است» گذشته اما پاسخ روشنی برای «چه شد» وجود ندارد. تنها انبوه روایت‌ها، حدس‌ها و سکوت‌هایی که هر کدام چیزی را پنهان می‌کنند، مطرح شد. او نه بیمار بود، نه نشانی از ضعف در بدنش دیده شده بود. محبوب بود، آماده بود و تازه داشت به مرحله‌ای تازه از زندگی حرفه‌ای‌اش وارد می‌شد. همین بخش ماجراست که تحمیش را سخت‌تر می‌کند: اتفاقی که هیچ‌کس آماده‌اش نبود.

غروبی در دوحه، در محل اقامت تیم، وقت استراحت و ریکاوری بود. همان زمانی که خیلی‌ها بی‌دفاع‌ترین لحظه روزشان را تجربه می‌کنند. در آنجا بود که حادثه رخ داد. جایی که قرار نبود چیزی جز آب، سکوت و چند نفس آرام وجود داشته باشد اما از همان جا همه چیز تغییر کرد. آنچه بعدتر منتشر شد، رشته‌ای از توضیحات نامنظم و متناقض بود. اول گفته شد مشکل مغزی بوده. بعد گفتند قلب دچار ایست شده. سپس بحث برخورد با برق یا حادثه در آب به

